

شرط همراهی با امام چیست؛ چه کسانی تا پایان راه، کنار امام می‌مانند؟

آیا صبر و وفاداری تا لحظه آخر شرط همراهی با امام است؟

«اگر در کربلا بودیم، واقعاً کنار امام می‌ماندیم؟ یا مانند خیلی از مدعیان، با هزاران بهانه میدان امتحان را ترک می‌کردیم؟» پشت این حسرت، سؤال مهم نهفته است؛ سؤالی که می‌تواند مسیر زندگی ما را روشن کند:

• شرط همراهی با امام چیست و چه کسانی واقعاً تا پایان راه در کنار امام می‌مانند؟

• چرا بعضی‌ها در بزنگاه‌های تاریخ، کنار امام زمان خود می‌مانند و برخی دیگر حتی با سابقه‌ای درخشان، راهشان را جدا می‌کنند؟

• آیا معیت و همراهی با امام صرفاً یک ادعای قلبی است یا شرطی واقعی و درونی دارد؟

در این مقاله قصد داریم به‌طور مبسوط دربارهٔ دو شرط همراهی با امام، یعنی صبر و وفاداری، صحبت کنیم؛ همچنین بررسی خواهیم کرد که چگونه این دو ویژگی می‌توانند معیار اصلی ماندن یا جدا شدن از امام در لحظه‌های سرنوشت‌ساز زندگی باشند.

صبر؛ شرط اصلی معیت با امام

عنصر اصلی در سلامت قلب، صبر است؛ اگر قرار باشد ما به هر درجه‌ای از کمال دست یابیم، با عنصر صبر به آن خواهیم رسید؛ درواقع در مسیر ابدیت تنها یک شرط لازم است و آن داشتن قلب سلیم است.^۱ صبر، عنصر اصلی در ایمان ماست که مبتنی بر معرفت و یقین بوده و مانند سر در پیکره ایمان نقش اساسی ایفا می‌کند.^۲

۱ «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛ روزی که نه مال سود می‌دهد و نه فرزندان، مگر آن‌کس، که با قلبی رسته از شرک، به نزد خدا بیاید» (شعراء/۲۶ و ۸۸ و ۸۹).
۲ امام صادق (ع) می‌فرماید: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَثَلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ؛ صبر نسبت به ایمان، مانند سر است نسبت به تن، هرگاه سر برود، تن نیز می‌رود؛ همچنین هرگاه صبر برود، ایمان می‌رود» (الکافی، جلد ۲، صفحه ۸۹).

صبر، رکن اساسی و نخستین شرط همراهی با امام است؛ بدون صبر، همراهی با امام تنها در حد ادعا باقی می‌ماند. صبر صرفاً سکوت یا مقاومت نیست؛ بلکه نوعی ایستادگی آگاهانه و مبتنی بر معرفت در برابر سختی‌ها و تضادهاست. کسانی که صبر را نه فقط یک فضیلت اخلاقی، بلکه ابزاری برای ثبات در مسیر ولایت می‌دانند، یاران حقیقی خواهند بود و این همان ملاک ماندن در کنار ولی خداست.

اما جایگاه صبر تنها به عرصه نبرد و آزمون‌های بیرونی محدود نمی‌شود؛ بلکه صبر در مسیر تکامل انسان، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. انسان با مجموعه‌ای از اسماء و کمالات الهی آفریده شده است، اما فعلیت‌بخشی به این سرمایه‌های بالقوه، بدون صبر ممکن نیست. هر یک از اسماء الهی، از رحمت و بخشش تا توکل، رضا، حلم، وفا، شجاعت، آرامش و گذشت، تنها در بستر تضاد و دشواری شکوفا می‌شوند. صبر، ابزار رسیدن از دانایی به دارایی است.

میان دانایی و دارایی تفاوت بسیاری وجود دارد. دانایی با مطالعه و ممارست افزایش می‌یابد. اما ما با دانایی‌های مان زندگی نمی‌کنیم. آنچه اهمیت دارد، میزان دارایی قلبی ماست. همان چیزی که در دنیا با آن زندگی کرده و در نظام برزخ، به همراه آن محشور خواهیم شد. گاهی با وجود دانایی‌های بسیار، باز هم قوی و شاد نیستیم؛ درواقع دانایی‌های ما به دارایی تبدیل نشده است. با صبر در امتحان‌ها و تقلب احوال است که دارایی‌های ما آزموده می‌شود.

هیچ‌کس صبور نمی‌شود مگر آنکه در شرایطی قرار بگیرد که صبرش به چالش کشیده شود. امام محمد باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «بهشت، آمیخته به سختی‌ها و صبر است»^۳ صبر، رمز عبور از سختی‌ها و پل رسیدن به مقام قرب الهی است؛ چرا که تنها انسان صبور می‌تواند در میان ناملايمات، به دارایی‌های حقیقی وجود خود دست یابد و به مقام معیت با ولی خدا برسد.

وفاداری، ملاک ثبات قدم در راه امام

۳ «الْجَنَّةُ مَخْفُوقَةٌ بِالْمَكَارِهِ وَالصَّبْرِ» (اصول کافی، جلد ۷۳، ص ۲)

وفادار بودن یعنی انسان، نسبت به تعهدات خود پایبند و پایدار باشد و لازمه آن صبور بودن است. وفاداری، بخش مهم و جدانشدنی در مسیر رسیدن به همراهی با امام است. این میزان وفاداری افراد است که استقامت و پایداری آنان در مسیر را تضمین می‌کند؛ اگر صبر، نیروی ایستادن در مسیر باشد، وفاداری یعنی پای عهد ایستادن؛ در حقیقت، وفا همان صبر و پایداری در رابطه‌ای است که با امام، با خدا یا با عهدهای درونی خود بسته‌ایم. وفاداری صرفاً در ادعای زبانی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به این معناست که در شرایط سخت، در تنهایی مطلق، و حتی وقتی هیچ نفعی در کار نیست، همچنان پایبند بمانی.

موانع صبر و وفاداری

بزرگ‌ترین دشمن صبر، هوای نفس است. نفس انسان ذاتاً بی‌تاب و عجول است. ما به محض رسیدن سختی‌ها، بی‌حوصله و بی‌تاب می‌شویم. حالا تصور کنید انسانی با این روحیه، بخواهد در کنار امام بماند! از سوی دیگر، زندگی پر از تضاد و ناملازمات است: رنج، سوءتفاهم، فشار اجتماعی و اختلاف‌های خانوادگی؛ اگر کسی این تضادها را تهدید ببیند، از میدان معیت کنار می‌رود. اما اگر آن‌ها را فرصتی برای رشد ببیند، در صف یاران واقعی جای می‌گیرد.

عاشورا؛ معیار روشن همراهی واقعی

[عاشورا](#) صرفاً صحنه‌ای برای نمایش ظلم و مظلومیت نبود؛ بلکه میدانی بی‌نظیر برای تمییز یاران واقعی از مدعیان بود. هزاران نفر که با نامه‌های پرشور و عاشقانه خود، امام را دعوت کرده بودند، در هنگامه خطر، پشت کردند و حتی در صف دشمن ایستادند.

در مقابل، گروه اندکی از یاران، تا لحظه آخر وفادار ماندند. آن‌ها اهل صبر بودند؛ صبری که از ایمان و فهم درست مسیر نشأت می‌گرفت. به تعبیر حکیمانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) حقیقت انسان‌ها تنها در جریان تغییر

شرایط و امتحانات زندگی نمایان می‌شود؛^۴ زیرا قلب ما بسته به نوع و میزان خوراکی که در هر یک از قوای پنجگانه دریافت می‌کند در موقعیت‌های مختلف کشش‌ها و کوشش‌های متفاوتی خواهد داشت. امام حسین (علیه‌السلام) در میانه میدان، صراحتاً فرمودند: «ای مردم! هرکس از شما در برابر تیزی شمشیر و زخم نیزه‌ها بردبار است، با ما بماند، وگرنه از ما جدا شود.»^۵

واقعه عاشورا صرفاً واقعه‌ای تاریخی نیست بلکه علاوه بر محک زدن معیار قلب و دارایی‌های حاضران، معیار و ملاکی زنده برای امروز ما نیز هست و می‌توانیم در آینه آن میزان سلامت و صدق قلب خود را بسنجیم. کافی است بدون تعارف کردن خود را در موقعیت هر یک از اصحاب امام یا صف دشمنان ایشان تصور کنیم و با در نظر گرفتن مستند آنچه بر آنها گذشته تصمیمات امروز خودمان را در ارتباط با آراگی و غربت امام عصرمان بسنجیم.

شرط همراهی با امام در دوران غیبت

شاید کسی بگوید: «من در کربلا نبودم، حالا هم امامم را نمی‌بینم. پس چه نیازی به صبر و وفاداری؟» هر کدام از ما، در میدان‌هایی قرار داریم که معیار صبر و وفاداری‌مان را می‌سنجند. فشارهای اجتماعی، بی‌عدالتی، دلسردی، خستگی از انتظار، سنگینی امتحانات خانوادگی، بحران‌های اخلاقی و اقتصادی... همه و همه میدان‌هایی برای تمرین صبر و وفاداری هستند.

در دوران غیبت، شاید دیداری ظاهری با امام نداشته باشیم، اما هر روز، در عمل، نشان می‌دهیم که همراه او هستیم یا خیر. در همراهی با امام ملاک دیدار ایشان با چشم سر نیست؛ بلکه میزان شباهت وجودی ما با ایشان است که اهمیت دارد و این شباهت وجودی هر لحظه در بوته آزمایش و امتحان قرار دارد. به عبارت دیگر آزمون سنجیده شدن با امام ارتباطی با غیبت یا ظهور ایشان ندارد و آزمونی است که از همه انسان‌ها گرفته می‌شود.

^۴ «في تَقَلُّبِ الْأَخْوَالِ عَلِمَ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ وَالْأَيَّامُ تُوضِحُ لَكَ السَّرَائِرَ الْكَامِنَةَ» (بحار الأنوار: ج ۷۷، ص ۲۸۶، ح ۱)
^۵ «أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيْفِ وَ طَعْنِ الْأَسِيَّةِ فَلْيَبْقُمْ مَعَنَا وَإِلَّا فَلْيَنْصَرَفْ عَنَّا» (بنابیع المودة، ص).

در این مقاله درباره اهمیت صبر و وفاداری به عنوان شرط اصلی همراهی با امام صحبت کردیم و گفتیم که شرط همراهی با امام، دیدار ایشان نیست؛ بلکه باید صحنه کربلا را به زندگی روزمره خود بیاوریم. هر روز فرصتی است برای اثبات یا نقض وفاداری ما؛ اگر می‌خواهیم آن هنگام که امام ما را فرا می‌خواند، در کنار او باشیم، باید از امروز صبر و وفاداری را نه در حرف، بلکه در عمل، رفتار، انتخاب‌ها و پایداری در مسیر حق تمرین کنیم.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer